

### مقدمه

به نظر می‌رسد که فلسفه وجودی و مبنای زیبایی‌شناسی آرایه‌های جناس «لفظ، تام و مرکب» در ذهن و اندیشه سعدی - پیامبر شعر فارسی - با دیگر شاعران، اندکی تفاوت دارد. شاید یکی از دلایل این امر، تغییر نسبی زاویه دید وی نسبت به این نوع جناس‌ها در مقایسه با دیگر شاعران پارسی‌گو باشد و اینکه ظاهراً وی می‌خواهد این نوع جناس‌ها را در سخن خود به اوج برساند. می‌توان گفت که سعدی یکی از منتقدان فنون بلاغت نیز هست ولی نقدش را به گونه دیگری انجام می‌دهد و به جای نوشتن کتاب‌های مستقل در زمینه بلاغت، سخن خود را طوری آراسته و پیراسته می‌کند که مهر تأییدی بر بسیاری از آرایه‌های به کار رفته در کلام شاعران و نویسندگان پیش از خود زده باشد. او برای این منظور از هنرهای بدیعی جناس «لفظ، تام و مرکب» بهترین استفاده را کرده است.

تقارن و تناسب بین شیوه نویسندگی و سبک شعری سعدی - به این معنی که اندیشه شعری وی در بوستان تا حدی بر مضامین و مطالب او در گلستان مؤثر است - سبب شده است که لباس شعر او با نثرش نسبتاً هم‌رنگ باشد و این هم‌رنگی

# آرایه‌های جناس

لفظ، تام و مرکب  
در نظم و نثر سعدی

رسول کردی

چگونه در کتاب‌های مربوط به بدیع، وجود یا نبود «جناس» بین هر دو دسته از واژه‌های (شهوریار، شهریار)، (تفسیر، تفسیر)، (تعبیر، تعبیر)، (عاجل، اجل)، (معتسر، معتسر)، (تقصه، قصه)، (عمر و امید)، (عاجل، اجل)، (معتسر، معتسر) در برداری از ابهام و اختلاف نظر باقی مانده است. در برداری از ابهام و اختلاف نظر باقی مانده است. جناس تجلیل آنها بر دایره و یا ذکر نشود و بر سبک و نثر بدیعی را در سخن و اندیشه سعدی بیان کرده است. کیدواژه‌ها: سعدی، نظم و نثر سعدی، جناس «لفظ، تام و مرکب»، واژه‌های مشابه (هم‌آوا)، قافیه بدیعی

کند و جناس «لفظ، تام و مرکب» را - که موسیقایی‌ترین نوع جناس هستند - به طور طبیعی، هنرمندانه و به دور از هرگونه تکلف در نظم و نثر خویش به کار برد. این شاعر و نویسنده با تجربه با بهره‌گیری از فنون بلاغت، به‌ویژه این نوع جناس‌ها، تأثیر سخن خود را بر خواننده یا شنونده کلامش، افزایش می‌دهد و با این کار، ذهن خواننده و شنونده سخنش را به کنجکاو و جست‌وجوی بیشتر در یافتن معنی واژه‌هایی و می‌دارد که این نوع جناس‌ها را دارند. مجموعه این عوامل می‌تواند سبب افزایش بسامد آرایه‌های جناس «لفظ، تام و مرکب» در سخن وی باشد که نگارنده در این پژوهش به نمونه‌هایی از این نوع جناس‌ها اشاره کرده است.

**الف) جناس لفظی:** «زمانی که دو پایه جناس در تلفظ، یک‌سان و در نوشتن، متفاوت باشند، مثل: خوار، خار» (بلاغت: ۱۱۶). «جناس بین اهر دسته از واژه‌های [خوار، خار]، (فطرت، فترت)، (محظور، محذور) را [که] «جناس لفظی» نام نهاده‌اند، از نظر ما «جناس تام» است؛ زیرا «بدیع» بحث موسیقی و مسموعات است نه مکتوبات.» (نگاهی تازه به بدیع: ۳۹ و ۴۰). «واژه‌های (ختا، خطا) در فارسی مثل هم تلفظ می‌شوند، پس «جناس تام» هستند.» (نقد بدیع، تلخیص از ص ۱۸). «بین هر دسته از واژه‌های (عاجل، آجل)، (خوان، خان)، (صبا، سبا)، (قصه، غصه) و... آرایه «جناس لفظی» وجود دارد.» (عروسان سخن، تلخیص از ص ۷۴)

به نظر نگارنده، از آنجا که علم «بدیع» شامل آرایه‌های لفظی و معنوی است، هم به لفظ (شکل گفتاری واژه)، هم به شکل نوشتاری و معنای واژه می‌پردازد. به نظر می‌رسد که تعریف زیر در مورد جناس لفظی - که در هیچ کتابی ارائه نشده است - بسیاری از اختلاف‌نظرها را در این زمینه برطرف کند:

نوع خاصی از واژه‌های متشابه (هم‌آوا) را «جناس لفظی» گویند، هرگاه که تفاوت نوشتاری آنها در یکی از موارد زیر باشد:

۱) تفاوت نوشتاری آنها فقط در یک حرف باشد؛ مانند: (عاجل، آجل)، (سمین، ثمین)، (خطا، ختا)، (حیاط، حیات) و...

۲) یکی از واژه‌ها از نظر نوشتاری، یک حرف از دیگری بیشتر داشته باشد و حروف واژه‌ها، اختلاف نوشتاری دیگری نداشته باشند؛ مانند: (خوار، خار)، (خوان، خان)، (خویش، خیش)، (خواست، خاسته) و...

تبصره ۱) واژه‌های متشابه (هم‌آویی) که تفاوت نوشتاری آنها در بیش از یک حرف است، از نظر نگارنده، **ملحق به جناس لفظی** نام دارند. مانند: (اثیر، عصیر)، (اسیر، عصیر)، (اساس، اثاث)، (قیاس، غیاث)، (متأثر، متعسر)، (عمرو، امر) و...

تبصره ۲) نگارنده هر دسته از واژه‌های (مقام، مقام)، (خاتم، خاتم)، (عمران، عمران)، (صلاح، صلاح)، (فراق، فراغ)، (فطرت، فترت)، (صلاح، صلاح)، (مُعاصر، مَأثر)، (قَصه، غَصه)، (قُضبان، غُضبان) و... را نیز **ملحق به جناس لفظی** در نظر گرفته است.

دنباله مطلب در وبگاه نشریه

در آرایه جناس، به ویژه جناس «لفظ، تام و مرکب»، بارزتر جلوه می‌کند؛ زیرا شیوه وی در نویسندگی متأثر از روش مقامه‌نویسی است که دو رکن مهم آن از نظر علم بدیع، آرایه‌های سجع و جناس‌اند.

تسلط سعدی بر فنون بلاغت، بر خوراری او از ذهن واژه‌ساز و خلاق و عبارت‌پردازی، که هنگام سخن گفتن مانند چشمه زرم جاری است، قرینه‌های واژگانی را برای وی تداعی می‌کنند. «مجد همگر» شاعر هم‌عصر سعدی در این باره می‌گوید:

«از سعدی مشهور سخن، شعر روان جوی  
کو کعبه فضل است و دلش چشمه زرم»  
(مقدمه گلستان، صفحه ۷ط)

معاشرت و مراودت کم‌نظیر سعدی با مردم نیز سبب زایش و افزایش واژه‌های ملون و مزین در ذهن و اندیشه وی شده است و به این ترتیب، هر وقت که می‌خواهد رشته کلامش را با گوهرهای همسان و هم‌جنس بیارید، دچار تنگنا نمی‌شود. هنر نویسندگی و فنون شاعری خاص سعدی و بر خوراری ذهنی او از گنجینه واژگان بسیار بالا سبب شده است که وی بتواند از تمام ظرفیت الفاظ در جهت آفرینش ادبی استفاده

